

## بررسی جایگاه نیابت کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری

ارینب ثانوی شیری<sup>۱</sup>، غلامرضا عارفیان<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> گروه حقوق عمومی واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

### چکیده

فلسفه‌ی پیش‌بینی احاله این است که در برخی موارد، با توجه به اوضاع و احوال خاص، دادگاهی که جرم در حوزه‌ی آن واقع نشده و در نتیجه صلاحیت محلی رسیدگی به آن را ندارد به دلایلی بهتر می‌تواند به آن جرم رسیدگی کند. در این حال، قانونگذار با پیش‌بینی امکان واگذاری رسیدگی به این دادگاه شرایط را برای این امر فراهم نموده است. در این زمان سخن از نیابت قضایی پیش می‌آید نیابت قضایی، یکی از تاسیسات حقوقی است که امکان تحصیل دلیل و بررسی آن را توسط مرجع قضایی دیگر فراهم می‌کند تا روند رسیدگی تسهیل و امکان احقاق حق برای دادگاه رسیدگی‌کننده میسر شود. نیابت قضایی امکان دسترسی به دلایل یا انجام تحقیقات درباره دعوا یا شکایت اقامه‌شده را برای دادگاه رسیدگی‌کننده، آن هم در شرایطی که خارج از مقرر دادگاه صلاحیت‌دار باشد، مهیا می‌کند. مرجع نیابت دهنده و به مرجعی که به آن نیابت داده می‌شود، مرجع نایب می‌گویند. هدف از نیابت قضایی در مسایل جزایی و مدنی، جلوگیری از وقفه احتمالی در رسیدگی‌ها است. هر مرجع قضایی از لحاظ صلاحیت محدود به یک حوزه مشخص است اما همیشه نمی‌توان رسیدگی را محدود به همان حوزه قضایی کرد. در این پژوهش سعی بر آن است تا جایگاه نیابت کیفری بر اساس قانون مصوب ۱۳۹۲ بررسی شود و نکات مبهمی که در این زمینه وجود دارد به گونه‌ای رفع شود.

**واژه‌های کلیدی:** نیابت، تحصیل دلیل، نیابت کیفری، صلاحیت محلی، اقدامات تحقیقی.

## مقدمه

نیابت قضایی تأسیس حقوقی کاملاً موثری است که امکان تحصیل دلیل و بررسی آن را توسط مرجع قضایی دیگر فراهم می‌کند به طوری که روند رسیدگی را ساده‌تر و برای دادگاه رسیدگی کننده احقاق حق آسان‌تر می‌شود آن هم بدون اینکه بحث صلاحیت قضایی به معنای خاص آن برای مرجع اقدام‌کننده در میان باشد یا امکان اظهارنظر ماهیتی یا حتی شکلی (البته در پاره‌ای موارد) برای مجری قرار نیابت میسر شود. اگر چه ضرورت‌های علمی و تقسیم کار ناشی از آن، ایجاب می‌کند که قاضی تحقیق به گونه‌ی انحصاری در حوزه‌ی صلاحیت محلی خود به انجام دادن اقدامات تحقیقی مبادرت ورزد، با این همه در بسیاری از موارد، اقدام و تحقیق خاصی از قبیل تحقیق از متهم، معاینه‌ی محل، تحقیق محلی، استماع شهادت شهود و امثال آن ناگزیر باید در خارج از محدوده‌ی صلاحیت محلی بازپرسان و قضات تحقیق به عمل آید. نیابت قضایی یک عمل حقوقی است که یک فردی به فرد دیگر اجازه می‌دهد به نام او و برای او کاری انجام دهد مانند نیابتی که موکل به وکیل فرد اعطا می‌کند. بر همین اساس نیابت قضایی نیابتی است که بین افراد جریان ندارد، بلکه در مراجع قضایی مطرح است؛ بنابراین همان طور که هر یک از ما ممکن است شخصی را نایب خود قرار دهیم دادگاه‌ها نیز ممکن است شخصی را نایب خود قرار دهند و نیز ممکن است اقدام به اعطای نیابت کنند. هر قاضی موظف است در رسیدگی به پرونده‌ها علاوه بر صلاحیت ذاتی، صلاحیت محلی را نیز رعایت کند. اعطای نیابت و یا تفویض نمایندگی، در صورتی می‌تواند وجهه‌ی قانونی داشته باشد که مداخله‌ی شخصی دادرسی مرجع رسیدگی برای انجام آن امر الزامی نباشد. بنابراین اموری از قبیل بازجویی از متهم، تحقیق از شهود، اخذ نظریه‌ی کارشناس، تحقیق محلی و یا معاینه‌ی محل، اخذ تأمین از متهم می‌تواند مورد نیابت قرار گیرد، اما اظهارنظر در ماهیت امر، صدور قرار نهایی و انشای حکم و نظایر آن را نمی‌توان مورد نیابت قرار داد. چنانچه تحقیق از متهم یا استماع شهادت از شهود و یا معاینه‌ی محل، بازرسی از منزل، جمع‌آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام دیگر در محلی که خارج از حوزه‌ی قضایی دادگاه است لازم شود، دادگاه رسیدگی کننده با اعطای نیابت قضایی انجام آن را با ذکر صریح موارد از دادگاه آن محل تقاضا می‌نماید و نیز ماده‌ی ۴۱۹ قانونمذبور مقررات تکمیل کننده‌ی مربوط به نیابت را انشا کرده است. این پژوهش با هدف بررسی جایگاه احاله و نیابت کیفری در آیین دادرسی مصوب سال ۱۳۹۲ می‌باشد که در ادامه به بررسی جایگاه این موضوع در قوانین مزبور پرداخته، ضمن اینکه به مفاهیم و نظریه‌های مربوط به هر کدام نیز به طور جداگانه پرداخته می‌شود.

## بیان مسأله

قانون آیین دادرسی کیفری، از مهم‌ترین قوانین پایه‌ای و اساسی هر کشور بوده که بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از طریق این قانون اجرا می‌شود. مقررات نظام دادرسی و سازمان قضایی و آیین دادرسی کیفری در ایران، طی سه دهه‌ی گذشته، چندین بار دچار تغییرات و دگرگونی کلی شده است. تغییرات مزبور، علاوه بر سازماندهی نظام دادرسی کیفری، خود موجب بروز بی‌نظمی و ناهنجاری‌های متعددی در سیستم قضایی و وضعیت حقوق شهروندی شده است، آنگونه که همگان در زمان حذف قانون دادرسی و قانون احیای دادرسی شاهد بوده‌اند. قانون جدید هم برای یک دوره‌ی سه ساله‌ی آزمایشی مقرر شده و قابلیت اجرا خواهد یافت و امکان تغییر در آن نیز ممتنع نخواهد بود. (آشوری، ۱۳۷۹) قانون جدید با وجود برخی از اشکال‌ها و ایرادهای مترتب بر آن، از جنبه‌ها و نکات مثبت بسیاری در خصوص رعایت حقوق شهروندی، حقوق متهم، حق دفاع، وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه برخوردار است و اگر دچار تغییرات کلی و جدی نشود و با تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مقرر در آن، با استفاده از تجارب حرفه‌ای کارشناسان، قضات و وکلای دادگستری، می‌تواند در تضمین حقوق شهروندی و اساسی مردم مؤثر و نقش‌آفرین گردد. این قانون، مشتمل بر هفت بخش در قالب «کلیات، کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، دادگاه‌های کیفری، رسیدگی و صدور رأی، اعتراض به رأی، اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی، هزینه‌ی دادرسی و سایر مقررات» تنظیم و تدوین شده است. (جوانمرد، ۱۳۸۹) تحول در دیدگاه‌های کیفری، دستاوردهای مهمی در زمینه‌ی احاله و نیابت کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ داشته است.

در این پژوهش تلاش شده است تا موارد نیابت قضایی را که از مهم‌ترین مباحث نظام‌های حل تعارض است و این که چه ارکانی احالهی کیفری را توجیه می‌کنند و نیز تغییرات آن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بررسی شود. در واقع این نوشتار در تلاش آن است تا راه‌کارهایی را در جهت تأمین عدالت قضایی که از اهداف اصلی نیابت کیفری است را پیش رو قرار دهد.

### پرسش‌های تحقیق

۱. نیابت قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ چه جایگاهی دارد؟
۲. حل مسایل جزایی و مدنی در نیابت قضایی چگونه است؟
۳. موارد صدور نیابت قضایی چیست؟

### فرضیه‌های تحقیق

۱. در نیابت قضایی اصل براین است که هر مرجع قضایی تنها در حوزه‌ی قضایی خود می‌تواند رسیدگی کند و تنها در موارد استثنایی نیابت قضایی حوزه‌ی قضایی دیگری را انجام خواهد داد.
۲. از آنجا که در نیابت قضایی بحث صلاحیت قضایی مطرح نیست هر دادگاه یا مرجعی که امکان انجام مورد نیابت برایش فراهم باشد به درخواست دادگاه اعطاکننده نیابت مکلف به اجرای مفاد قرار نیابت است

### اهداف تحقیق

۱. بررسی جایگاه نیابت کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲
۲. بررسی حل دعاوی جزایی و مدنی در نیابت قضایی

### روش تحقیق

حقیق حاضر یک تحقیق تحلیلی- توصیفی است که بر مبنای کتابخانه‌ای و به صورت فیش‌برداری از مطالب انجام می‌شود. در این راستا سعی خواهد شد از حداکثر ظرفیت‌های موجود استفاده شود. هم‌چنین می‌توان به صورت فقهی- حقوقی و با استفاده از کتب و مقالات، موضوع را مورد بررسی و تحقیق قرار داد. پس از جمع‌آوری مطالب لازم در این خصوص سعی خواهد شد با تدوین مناسب و منطقی این مطالب و هم‌چنین بررسی قوانین که موجود است به یک مجموعه‌ی مدون و منسجمی رسیده و با بررسی این مطالب و بحث در مورد آن‌ها تا حد ممکن زوایای مبهم بحث را روشن و با توجه به موارد استنباطی به تجزیه و تحلیل موضوع پرداخته شود.

### پیشینه‌ی تحقیق

نظر به این که در خصوص بررسی جایگاه احاله و نیابت کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تحقیقات قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد و مطالعات محدودی با توجه به نو بودن قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ انجام پذیرفته و موضوع نو بدیع می‌باشد، لذا تحقیق در این خصوص از اهمیت خاصی برخوردار است. در این زمینه تألیفاتی وجود دارد که عبارتند از:

آخوندی (۱۳۷۹) در کتاب آیین دادرسی کیفری می‌نویسد: نیابت قضایی ممکن است داخلی یا بین‌المللی باشد. نیابت قضایی داخلی وقتی است که یک مرجع قضایی در داخل کشور به مرجع قضایی دیگر نیابت دهد یعنی دادگاه نیابت دهنده و نیابت

گیرنده هر دو در ایران باشند. نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشید این است که دادگاه نیابت دهنده نمی‌تواند شعبه را انتخاب کند بلکه به حوزه قضایی صلاحیت‌دار می‌فرستد و رئیس حوزه تقسیم کار را انجام می‌دهد.

گلدوزیان (۱۳۸۴) در کتابی با عنوان حقوق جزای عمومی ایران می‌نویسد: هنگامی که طرفین یک قرارداد، قانون حاکم بر قرارداد را تعیین می‌نمایند ممکن است قانون منتخب ایشان صلاحیت خود را رد و قانون دیگری را حاکم بر قرارداد بدانند. در چنین شرایطی به طور عموم پذیرفته شده است که قواعد مادی قانون تعیین شده باید اعمال شود و نه قواعد حل تعارض این قانون. در عین حال بعضی از حقوقدانان معتقدند که اعمال قواعد مادی بدون توجه به قواعد حل تعارض تنها در صورتی جایز است که انتخاب قانون در قرارداد به صورت صریح انجام شده باشد.

گلدوست‌جویباری (۱۳۸۶) در کتاب کلیات آیین دادرسی کیفری می‌نویسد: در بعضی مواقع برای تشریح رسیدگی با حفظ نظم و امنیت اجتماعی ممکن است بر خلاف صلاحیت محلی رسیدگی به جرم از دادگاه محل وقوع جرم با رعایت صلاحیت ذاتی به دادگاه هم عرض آن محل دیگر محول شود. این اقدام براساس قانون باید انجام شود که به آن احاله می‌گویند. دادگاه اخیر هر چند که صلاحیت رسیدگی به موضوع به علت عدم صلاحیت محلی را ندارد ولی به حکم قانون دارای صلاحیت می‌شود.

آشوری (۱۳۸۴) در کتاب آیین دادرسی کیفری می‌نویسد: نیابت یک عمل حقوقی است که یک فردی به فرد دیگر اجازه می‌دهد به نام او و برای او کاری انجام دهد مانند نیابتی که موکل به وکیل فرد اعطا می‌کند. بر همین اساس نیابت قضایی نیابتی است که بین افراد جریان ندارد بلکه در مراجع قضایی مطرح است؛ بنابراین همان طور که هر یک از ما ممکن است شخصی را نایب خود قرار دهیم، دادگاه‌ها نیز ممکن است شخصی را نایب خود قرار دهند و نیز ممکن است اقدام به اعطای نیابت کنند. هر قاضی موظف است در رسیدگی به پرونده‌ها علاوه بر صلاحیت ذاتی، صلاحیت محلی را نیز رعایت کند.

نوربها (۱۳۸۳) در کتابی با عنوان زمینه‌ی حقوق جزای عمومی می‌نویسد: در هر مرحله از رسیدگی کیفری، احاله‌ی امر از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر یک استان، حسب مورد به درخواست دادستان یا رئیس حوزه قضایی مبدأ و موافقت شعبه‌ی اول دادگاه تجدیدنظر استان و از حوزه قضایی یک استان به استان دیگر به تقاضای همان اشخاص و موافقت دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد. دادرسی کیفری باید مستند به قانون، منصفانه و عادلانه باشد.

## نیابت قضایی

یکی از شروط اولیه برای دخالت مرجع تحقیق و اقدام وی به انجام تحقیقات مقدماتی، صلاحیت محلی این مقام بود که از آن سخن به میان آمد. شرط مزبور این نتیجه را به دنبال دارد که مرجع تحقیق در جریان تحقیقات نسبت به جرمی هم که در حوزه صلاحیت اوست، نمی‌تواند اقداماتی را در خارج از حوزه قضایی خود انجام داده و یا دستور انجام آن را به ضابطان دهد. اختیارات قضایی چنین مقامی تنها در قلمرو حوزه قضایی معینی که برای آن مأموریت یافته قابل اعمال است و در خارج از آن حوزه اختیاری ندارد. در این حال، اگر انجام اقدامی خاص، مانند شنیدن اظهارات شاهد، انجام تحقیقات محلی، توقیف ملک، احضار و تفهیم اتهام به متهم و ...، در خارج از حوزه قضایی مرجع رسیدگی به پرونده لازم باشد، باید از طرف این مرجع به مرجع قضایی صالح در محل انجام آن اقدام، نمایندگی داده شود تا اقدام‌های مورد نظر توسط آن مقام صورت گیرد. در هر حال، اعطای نیابت قضایی در مورد اقدامات تحقیقی امکان‌پذیر است، ولی اظهارنظر نهایی در خصوص پرونده قابل نیابت نبوده و باید توسط بازپرس صلاحیت‌دار صورت پذیرد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> ((چون رسیدگی به اصل اتهام در صلاحیت مرجع معطی نیابت است، بنابراین، اظهار نظر در خصوص ماهیت اتهام و احراز بزهکاری یا بی‌گناهی فرد یا افراد که در حقیقت مدعی اظهار نظر در مورد مجرمیت یا منع تعقیب متهم باشد در صلاحیت دادگاه مجری نیابت نبوده و در صلاحیت مرجع

ماده‌ی ۱۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری در این باره مقرر داشته است: ((هرگاه تحقیق از متهم، استماع شهادت شهود و مطلع، معاینه‌ی محل، بازرسی از منازل و اماکن و اشیاء، جمع آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام دیگری خارج از حوزه‌ی قضایی محل مأموریت بازپرس لازم شود، وی با صدور قرار نیابت قضایی مطابق مقررات قانونی و ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده و تصریح موارد، انجام آن‌ها را از بازپرس محل، تقاضا می‌کند. این بازپرس در حدود مفاد نیابت اعطایی، موضوع نیابت را انجام می‌دهد و اوراق تنظیمی را پس از امضاء به همراه سایر مدارک به دست آمده نزد مرجع نیابت‌دهنده می‌فرستد و در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مفاد نیابت، مربوط به حوزه‌ی قضایی دیگری باشد، اوراق را برای اجرای نیابت به مرجع مزبور ارسال و مراتب را به بازپرس نیابت‌دهنده اعلام می‌دارد)).

بدیهی است که اجرای نیابت قضایی در حدود مقرر در قانون صورت گرفته و متهم در برابر مرجع اجرای نیابت همان حقوقی را دارد که در مقابل مرجع اعطاء کننده‌ی نیابت از آن برخوردار است، بدون این که این امر نیازمند تصریح در دستور نیابت باشد؛ بنابراین، همانگونه که نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۷/۹۳/۱۹۶۳ مورخ ۹۳/۸/۱۹ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه حاکی از آن است: ((حق استفاده از وکیل از جمله حقوق دفاعی بوده و هر کسی می‌تواند در هر مرحله از دادرسی، وکیل معرفی نماید و نیاز به تصریح از سوی معطی نیابت نمی‌باشد)).

در صورتی که موضوع نیابت، بازجویی از متهمی باشد که در حوزه‌ی قضایی دیگری اقامت دارد، ممکن است پس از انجام آن، اخذ تأمین از متهم برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن وی یا تبانی او با سایر متهمان ضروری باشد. به همین دلیل، مرجع نیابت‌دهنده می‌تواند در ضمن اعطای نیابت، اخذ تأمین از متهم را بخواهد و حتی نوع تأمین را مشخص سازد. با این حال، اگر توسط مرجع نیابت‌دهنده، تأمین درخواست نشده باشد، اختیار تشخیص لزوم اخذ تأمین و اگر درخواست شده تغییر تأمین مورد درخواست، به مرجع نایب واگذار گردیده است تا این مرجع، پس از بازجویی از متهم و بر اساس یافته‌های حاصل از تحقیق، تصمیم به اخذ تأمین و یا تغییر نوع درخواست شده نماید. ماده‌ی ۱۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: ((بازپرس در هنگام صدور قرار نیابت قضایی می‌تواند نوع تأمین را معین یا اختیار اخذ تأمین و نوع آن را به نظر بازپرسی که تحقیق از او خواسته شده، واگذار کند. چنانچه بازپرسی که تحقیق از او درخواست شده با توجه به دفاع متهم و ادله‌ی ابرازی وی احراز کند که تأمین خواسته شده نامتناسب است به نظر خود، تأمین متناسبی اخذ می‌کند. همچنین در موردی که تقاضای اخذ تأمین نشده باشد، وی می‌تواند در صورت توجه اتهام با نظر خود تأمین مناسب اخذ کند)).<sup>۱</sup>

## انواع نیابت قضایی

### الف: نیابت قضایی داخلی

نیابت قضایی داخلی وقتی است که به دادگاه دیگری در داخل کشور انجام امری واگذار شود. اگر مباشرت خود دادگاه در رسیدگی شرط نباشد، قاضی می‌تواند در موارد استثنایی و منصوص، قرار معاینه‌ی محل و تحقیق محلی را خارج از حوزه‌ی خود اجرا کند و در غیر این صورت تخلف شمرده می‌شود. همچنین دادگاه نیابت‌دهنده نمی‌تواند شعبه‌ی دادگاه نایب را مشخص

معطی نیابت می‌باشد و امر اظهار نظر قابل تفویض... نمی‌باشد)). (نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۷/۸۳۶۷ مورخ ۸۲/۱۰/۱۱ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه)

<sup>۱</sup> چنانچه در اجرای نیابت قضایی، قرار بازداشت متهم صادر شود، دادستان محل اجرای نیابت باید با آن موافقت نماید. اعتراض متهم نسبت به قرار بازداشت نیز در دادگاه محل اجرای مورد رسیدگی واقع می‌شود. (ماده‌ی ۱۲۱ ق.آ.د.ک)

کندحتی اگر از حیث درجه بالاتر از دادگاه نایب باشد. چون توزیع کارها در هر حوزه قضایی، به عهده‌ی رئیس مستقیم همان حوزه است.

در این باره به مقررات ماده‌ی ۲۹۰ از قانون آیین دادرسی مدنی اشاره می‌کنیم.<sup>۱</sup> در هر موردی که رسیدگی به دلایلی از قبیل تحقیقات از مطلعین و گواهان یا معاینه‌ی محلی و یا هر اقدام دیگری که باید خارج از محل دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا انجام گیرد و مباشرت دادگاه شرط نباشد مرجع مذکور به دادگاه صلاحیت‌دار محل نیابت می‌دهد تا حسب مورد اقدام لازم معمول و نتیجه را طی صورت‌مجلسی به دادگاه نیابت‌دهنده ارسال نماید. اقدامات مذکور در صورتی معتبر خواهد بود که مورد وثوق دادگاه باشد. همان طور که از مفاد و منطوق ماده‌ی ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی بر می‌آید صدور قرار نیابت قضایی می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله رسیدگی به دلایل، انجام تحقیقات از مطلعین و گواهان حاضر در مقر دادگاه مجری نیابت، معاینه‌ی محل یا در نهایت هر اقدام دیگری که خارج از مقر دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا باشد، امکان پذیر شود (شمس - ۱۳۸۲)

این اقدامات زمانی معتبر و موثر خواهد بود که نخست، مباشرت دادگاه رسیدگی‌کننده شرط نباشد. دوم، اقدامات انجام‌شده توسط دادگاه اجراکننده نیابت قضایی مورد وثوق دادگاه اعطاکننده نیابت باشد. سوم، مرجع مجری نیابت صرفاً مجری خواسته‌های دادگاه اعطاکننده نیابت است و بیش از آن اختیاری ندارد. علی‌الاصول امکان اظهارنظر ماهیتی اعم از حقوقی و جزایی برای مرجع مجری نیابت وجود ندارد مگر اینکه این اختیار به طور صریح از ناحیه‌ی دادگاه اعطاکننده نیابت به آن دادگاه داده شده باشد. به عنوان مثال در تحقیق از گواهان، تحقیق از متهم پرونده و انتساب یا عدم انتساب عمل مجرمانه به وی که منتهی به صدور قرار تأمین یا عدم صدور آن می‌شود، چه دادگاه اعطاکننده نیابت و چه مجری آن، هر دو می‌بایست برابر قانون اقدام کند نه فراتر از آن.

### ب) نیابت قضایی خارجی یا بین‌المللی

نیابت قضایی بین‌المللی تقاضایی است که یکی از مراجع قضایی داخلی از مقامات قضایی کشورهای خارجی دارد. این نوع نیابت غالباً با مشکلات قانونی یا عملی مواجه است، زیرا دادن نیابت قضایی خارج از کشور در صورتی است که بین دو کشور قرارداد «تعاون قضایی» یا «معامله‌ی متقابل» وجود داشته باشد (همان - ۱۳۸۲)

تحقیقاتی که دادگاه خارجی در سمت نیابت اعطایی انجام می‌دهد در صورتی که مورد وثوق و اعتماد دادگاه رسیدگی‌کننده باشد قابل استناد خواهد بود. دادگاه‌های ایران می‌توانند به شرط معامله‌ی متقابل، نیابتی را که از طرف دادگاه‌های کشورهای دیگر راجع به تحقیقات قضایی به آن‌ها داده می‌شود قبول کنند. این تحقیقات نباید با موازین اسلام و قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه، مخالف باشد. همچنین در مورد قوانین موجود در این باره آنچه از مقررات مواد ۲۹۱ تا ۲۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی استنباط می‌شود به طور کلی شامل مطالب ذیل است: انجام موضوع نیابت چه از ناحیه‌ی دادگاه ایران یا دادگاه خارج از کشور باید متکی بر معامله‌ی متقابل باشد. انجام موضوع نیابت در دادگاه ایران به درخواست مرجع قضایی خارج از کشور، علی‌الاصول باید بر اساس قوانین ایران به عمل آید مگر اینکه دادگاه خارج از کشور ترتیب خاصی را معین کرده باشد که در این صورت ضمن وجود شرط معامله‌ی متقابل در صورتی که مخالف موازین اسلام و قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد امکان ترتیب اثر دادن به آن نیابت در ایران وجود خواهد داشت. تحقیقات قضایی خارج از کشور باید بر اساس قوانین ایران تعیین و از دادگاه خارجی که به آن نیابت داده شده است، خواسته شود والا در صورتی مناط اعتبار قرار

<sup>۱</sup> مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۷۹، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات پایدار، ج ۱، چاپ اول، صص ۲۳۰-۲۲۳

خواهد گرفت که دادگاه ایران آن را بپذیرد (همان -۱۳۸۲) در واقع مقررات مواد ۳۹۲ تا ۳۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی متکی بر مقررات مواد ۵-۶-۷-۹۶۸-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴ و ۹۷۵ قانون مدنی است.

در پاسخ به این سوال که صدور و اجرای قرار نیابت قضایی در امور حقوقی امکان‌پذیر است یا کیفری؟ می‌توان گفت: صدور قرار نیابت قضایی همان‌طور که پیش از این اشاره شده است هم در مقررات جزایی امکان‌پذیر است و هم در مقررات حقوقی و مدنی، به طوری که در مقررات جزایی، نیابت قضایی در مواد ۵۹ و ۶۰ از قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده است و در بحث مدنی و حقوقی موضوع نیابت قضایی در مواد ۲۹۰ تا ۲۹۴ مورد اشاره قرار گرفته است (همان -۱۳۸۲)

### موارد صدور نیابت قضایی

در مواردی که نیابت قضایی صادر می‌شود، به طور خلاصه می‌توان گفت که صدور قرار نیابت قضایی، هم در مقررات جزایی امکان‌پذیر است و هم در مقررات حقوقی و مدنی، البته به طوری که در مقررات جزایی نیابت قضایی در مواد ۵۹ و ۶۰ از قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده است و در بحث مدنی و حقوقی موضوع نیابت قضایی در مواد ۲۹۰ تا ۲۹۴ مورد اشاره قرار گرفته است. حسب مقررات مواد ۱۹ و ۲۹۰ از قانون آیین دادرسی مدنی، صدور قرار اناطه در جایی است که رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، در حالی که در بحث نیابت قضایی اساساً بحث صلاحیت قضایی به معنای خاص آن توسط دادگاه دیگر مطرح نیست، بلکه هر دادگاهی یا مرجعی که امکان انجام مورد نیابت برایش فراهم باشد به درخواست دادگاه اعطاکننده نیابت مکلف به اجرای مفاد قرار نیابت است. همچنین باید خاطرنشان کرد که دعوای دیگری در موضوع نیابت قضایی مورد نظر نیست بلکه همان دعوا یا شکایت اولیه‌ای است که مطرح شده است اما بخشی از رسیدگی و تحقیقات به دادگاه دیگری که امکان عملی اجرای قرار نیابت برایش فراهم است اعطا می‌شود. در قرار اناطه رسیدگی به دعوا موقتاً متوقف می‌شود در حالی که در نیابت قضایی گذشته از اینکه دعوا متوقف نمی‌شود اتفاقاً در تداوم دعوای مطرح‌شده رسیدگی هم‌چنان ادامه خواهد داشت. در واقع نیابت قضایی نوعی ادامه‌ی رسیدگی است نه توقف آن. اقدامات مورد درخواست مرجع اعطاکننده نیابت دقیقاً باید توسط مرجع مجری نیابت به عمل آید در حالی که در قرار اناطه هرچند ممکن است دعوای مطرح‌شده در دادگاه دیگر، موثر در نتیجه‌ی رسیدگی به دعوای حاضر باشد، هرگز در راستای آن نخواهد بود؛ به عبارت دیگر نیابت قضایی یک نوع رسیدگی طولی و اناطه به نوعی رسیدگی موازی است. در قرار اناطه دو دعوا مورد نظر است در حالی که در نیابت قضایی صرفاً یک دعوا مطرح شده و در حال رسیدگی است.

### الزامات نیابت قضایی

در امور کیفری هم، نیابت قضایی وجود دارد. همان‌طور که در ماده‌ی ۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اشاره شده، چنانچه تحقیق از متهم یا شنیدن شهادت شهود، معاینه‌ی محل یا جمع‌آوری آلات جرم و بازرسی از منزل لازم شود، دادگاه یا دادرسی رسیدگی‌کننده به دادگاه یا دادرسی صالح آن محل نیابت رسیدگی به آن مسائل را با ذکر دقیق موارد می‌دهد. دادگاه تحقیقات را انجام می‌دهد و نتایج به دست آمده را پس از امضا برای دادگاه نیابت دهنده می‌فرستد. مثلاً قتلی در تهران رخ داده، بنابراین حوزه‌ی قضایی تهران صلاحیت رسیدگی دارد ولی شاهد صحنه‌ی قتل در اصفهان زندگی می‌کند؛ بنابراین از طرف تهران به حوزه‌ی قضایی اصفهان نیابت داده می‌شود که تحقیقات را از شاهد انجام و گزارش را به تهران ارسال کند. نکته‌ی مهم این است که در مواردی که دادگاه مستقیماً بر مبنای اقرار متهم یا شهادت شهود می‌خواهد رأی صادر کند، قاضی باید خودش اقرار و شهادت را بشنود و در این موارد، نیابت قضایی ممکن نیست. هم‌چنین برگزاری جلسه‌ی محاکمه هم از طریق نیابت قضایی امکان‌پذیر نیست (همان -۱۳۸۲)

ماده‌ی ۱۱۹- هرگاه تحقیق از متهم، استماع شهادت شهود و مطلع، معاینه‌ی محل، بازرسی از منازل و اماکن و اشیاء، جمع‌آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام دیگری خارج از حوزه‌ی قضایی محل مأموریت بازپرس لازم شود، وی با صدور قرار نیابت قضایی مطابق مقررات قانونی و ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده و تصریح موارد، انجام آن‌ها را از بازپرس محل، تقاضا می‌کند. این بازپرس در حدود مفاد نیابت اعطایی، موضوع نیابت را انجام می‌دهد و اوراق تنظیمی را پس از امضاء به همراه سایر مدارک به دست آمده نزد مرجع نیابت‌دهنده می‌فرستد و در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مفاد نیابت، مربوط به حوزه قضایی دیگری باشد، اوراق را برای اجرای نیابت به مرجع مزبور ارسال و مراتب را به بازپرس نیابت‌دهنده اعلام می‌دارد.

تبصره‌ی ۱- انجام نیابت قضایی در حوزه‌ی قضایی بخش به‌عهده‌ی ریئس یا دادرس علی‌البدل دادگاه آن محل است.

تبصره‌ی ۲- در مواردی که اقرار متهم و یا شهادت شاهد و یا شهادت بر شهادت شاهد، مستند رأی دادگاه باشد، استماع آن توسط قاضی صادرکننده‌ی رأی الزامی است.

ماده‌ی ۱۲۰- بازپرس در هنگام صدور قرار نیابت قضایی می‌تواند نوع تأمین را معین یا اختیار أخذ تأمین و نوع آن را به نظر بازپرسی که تحقیق از او خواسته شده، واگذار کند. چنانچه بازپرسی که تحقیق از او درخواست شده با توجه به دفاع متهم و ادله‌ی ابرازی وی احراز کند که تأمین خواسته شده نامتناسب است به نظر خود، تأمین متناسبی أخذ می‌کند. همچنین در موردی که تقاضای أخذ تأمین نشده باشد، وی می‌تواند در صورت توجه اتهام با نظر خود تأمین مناسب أخذ کند.

ماده‌ی ۱۲۱- هرگاه در اجرای نیابت قضایی، قرار تأمین صادره منتهی به بازداشت متهم شود، پرونده جهت اظهارنظر نزد دادستان محل اجرای نیابت ارسال می‌شود. به اعتراض متهم نسبت به قرار بازداشت، مطابق مقررات در دادگاه صالح محل اجرای نیابت، رسیدگی می‌شود.

ماده‌ی ۱۲۲- هرگاه به تشخیص بازپرس، مباشرت وی در انجام تحقیقی در خارج از حوزه‌ی قضایی محل مأموریتش ضروری باشد، موضوع را به نحو مستدل به دادستان اعلام و پس از کسب نظر موافق وی، ضمن هماهنگی با دادستان محل و تحت نظارت او، نسبت به اجرای مأموریت اقدام می‌کند. در این صورت، ضابطان دادگستری و مراجع رسمی مکلف به اجرای دستورهای بازپرس هستند.

علاوه بر این نیابت‌های قضایی که موارد ذکر شده در قانون را رعایت نکرده باشند یا از نظر قانونی ناقص باشند، به مرجع نیابت‌دهنده برای رفع نواقص بازگشت داده می‌شوند. مواردی مانند ابلاغ اخطاریه که از اداره‌ی ابلاغ امکان‌پذیر است و فرستادن افراد به پزشکی قانونی و مواردی از این دست احتیاجی به نیابت قضایی ندارد و مستقیماً انجام می‌شوند.

### اقدامات تحقیقی

از زمانی که تحقیق درباره‌ی یک اتهام به بازپرس یا دادیار ارجاع می‌شود، هر یک از این دو مقام پس از احراز صلاحیت خود اقداماتی را جهت کشف جرم، بازجویی از متهم، جلوگیری از فرار وی، شنیدن اظهارات شهود، کسب نظر کارشناس و مانند آن تا زمان اظهار نظر نهایی و صدور قرار لازم انجام می‌دهند که هم اکنون به مهم‌ترین این اقدامات اشاره می‌کنیم.

قبل از بیان این موارد، لازم به ذکر است که اصل بر قائم به شخص بودن امر تحقیق است و اصولاً این اقدامات باید توسط مرجع تحقیق صورت بگیرد (صدر ماده‌ی ۹۸ ق.آ.د.ک). با این حال، مرجع مزبور می‌تواند تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان،



جمع آوری اطلاعات و ادله‌ی وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بدانند، به ضابطان دادگستری ارجاع دهد<sup>۱</sup> (قسمت دوم ماده‌ی ۹۸ ق.آ.د.ک). تنها محدودیت بازپرس مربوط به تحقیقات مقدماتی در مورد جرائم موضوع بندهای ((الف))، ((ب))، ((پ)) و ((ت)) ماده‌ی ۳۰۲ است که بازپرس باید شخصاً تحقیقات را انجام داده و بدون ارجاع آن‌ها به ضابطان، تنها از همکاری آن‌ها استفاده نماید (تبصره‌ی ماده‌ی ۹۸ اصلاحی ۹۴/۴/۲۳).

### تحقیق از شاکی

در مواردی که بزه‌دیده اقدام به طرح شکایت نموده است، نخستین اقدام، تحقیق از او و شنیدن توضیحات و اظهارات وی برای آگاهی از عمل مجرمانه‌ای است که به متهم نسبت داده می‌شود. معمولاً شاکی پس از تقدیم شکایت خود و ثبت آن در دفتر دادسرا، شخصاً آن را نزد بازپرس یا دادپاری که رسیدگی به او ارجاع شده می‌آورد و در نتیجه، هنگام تسلیم آن به این اشخاص، همراه شکایت خود و پرونده‌ی تنظیمی برای آن حضور دارد. این امر موجب می‌شود که بازپرس یا دادپار توضیحات او را شنیده و در صورت مجلس بازجویی نوشته و به امضای او برساند.

چنانچه شاکی در هنگام ارجاع پرونده حضور نداشته باشد، احضار خواهد شد، ولی این نکته را باید یادآوری نمود که شاکی هیچ‌گاه به دلیل بی توجهی به احضاریه و عدم حضور نزد مراجع قضایی جلب نخواهد شد. ضمناً، برخلاف آنچه که در ماده‌ی ۲۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۱ در مورد رسیدگی در دادگاه پیش بینی شده بود<sup>۲</sup>، اکنون به موجب رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۵۲۵ مورخ ۶۸/۱/۲۹ حتی اگر جرم از جرائم قابل گذشت باشد، صرف عدم حضور شاکی پس از احضار، دلیل بر گذشت تلقی نشده و شکایت او قابل رسیدگی است.<sup>۳</sup>

### تحقیق از شاهد و مطلع

ممکن است شاکی برای اثبات شکایت خود به شهادت کسی که شاهد وقوع جرم بوده یا به اطلاعات کسی از قضیه استناد نماید. در این صورت و نیز در صورتی که مرجع تحقیق رأساً تشخیص دهد و یا متهم درخواست کند، باید از شاهد و مطلع نیز تحقیق به عمل آید. شاهد کسی است که وقوع جرم را مشاهده و یا به طریق یکی دیگر از حواس خود ادراک نموده است. مطلع کسی است که وقوع جرم را از طریق مشاهده یا سایر حواس خود ادراک نکرده، اما اطلاعاتی از وقوع آن دارد. شرط استماع اظهارات شاهد و مطلع، حضور آن‌ها و شرط حضور آن‌ها نیز ارسال احضاریه برای آنهاست<sup>۴</sup>، مگر این که شاهد یا مطلع به عللی

<sup>۱</sup>. ((شروع به تحقیق)) از متهم، چون مستلزم تفهیم اتهام است و ضابطان فقط در جرائم مشهود حق تفهیم اتهام به متهم را دارند، نمی‌تواند به ضابطان ارجاع گردد. پس ارجاع تحقیق اولیه از متهم به ضابطان صحیح نبوده، باید توسط مقام قضایی با تفهیم اتهام صورت گیرد. پس از تفهیم اتهام و تحقیق اولیه، واگذاری اخذ برخی توضیحات تکمیلی از متهم به ضابطان امکان پذیر است. اگر هم دلایل کافی متوجه متهم نباشد، تحقیق از او به عنوان مطلع و ارجاع این امر به ضابطان بدون اشکال به نظر می‌رسد.

<sup>۲</sup>. بر طبق این ماده: ((هرگاه مدعی خصوصی یا شاکی بدون عذر موجه در موعد مقرر حاضر نشود، تعقیب امر جزایی، در صورتی که قابل گذشت باشد، موقوف می‌گردد...))

<sup>۳</sup>. در این رأی، هیأت عمومی دیوان عالی کشور در اختلاف نظر میان دو شعبه‌ی دیوان که یکی از آن‌ها عدم حضور شاکی در دادگاه را در جرم ترک انفاق، به منزله‌ی گذشت تلقی کرده بود و دیگری آن را به منزله‌ی گذشت ندانسته بود، برداشت اخیر را صحیح اعلام کرد. هر چند که ماده‌ی ۲۷۴ و رأی فوق ناظر به مرحله‌ی دادگاه است اما دلیلی ندارد که عدم حضور شاکی در مرحله‌ی دادسرا را، در جرائم قابل گذشت، به عنوان گذشت وی بدانیم.

<sup>۴</sup>. ماده‌ی ۲۰۴ ق.آ.د.ک.

مانند بیماری یا کهنوت نتواند حاضر شود، یا این که تعداد آن‌ها زیاد بوده و در یک یا چند محل باشند و یا اهمیت و فوریت امر اقتضاء کند که در این صورت بازپرس به محل اقامت آن‌ها رفته، از آنان تحقیق می‌کند.<sup>۱</sup>

چنانچه شاهد و مطلع احضار گردند و با وجود ابلاغ احضاریه بدون عذر موجه نزد بازپرس حاضر نشوند، به دستور وی جلب می‌شوند. در صورت داشتن عذر موجه، احضاریه مجدداً برای آن‌ها ارسال می‌گردد و این بار در صورت عدم حضور، جلب می‌شوند.<sup>۲</sup> ادای شهادت الزامی نیست و جلب شاهد و مطلع به دلیل بی‌توجهی آن‌ها به دستور مرجع قضایی است که نه نزد وی حضور یافته و نه عذر موجه خود را اعلام کرده‌اند؛ بنابراین، از نظر قانونی، شاهد یا مطلع الزامی ندارند که نزد مرجع تحقیق شهادت دهند و می‌توانند پس از حضور، یا حتی در صورت جلب و انتقال به دادسرا از ادای شهادت خودداری ورزند. در این صورت و در صورت ادای شهادت، شاهد و مطلع باید بلافاصله و بدون هیچ قید و شرط آزاد گردند. تحقیق از شاهد و مطلع به طور جداگانه، غیرعلنی و بدون حضور متهم انجام می‌شود و آن‌ها باید پیش از اظهارات خود، سوگند یاد کنند.<sup>۳</sup>

### تحقیق از متهم

یکی از مهم‌ترین مراحل انجام تحقیقات مقدماتی، تحقیق از متهم است، یعنی فردی که در پناه اصل برائت قرار دارد و حقوق او در برابر مقام تعقیب و مقام تحقیق باید از تعرض مصون بماند. به همین دلیل، در قانون ضوابطی برای تحقیق از متهم و همچنین مقدمات آن، اعم از احضار، جلب، انتشار تصویر چهره‌ی او برای دستیابی به متهم یا جلوگیری از خروج او از کشور پیش بینی شده است.

### اعطای مهلت به متهم و ارجاع به میانجی‌گری

((اعطای مهلت به متهم)) و ((ارجاع به میانجی‌گری)) دو اقدامی است که با الهام از آموزه‌های عدالت ترمیمی، به منظور جبران خسارت بزه‌دیده، سازش طرفین و خارج ساختن پرونده‌های کم‌اهمیت از فرایند قضایی در ماده‌ی ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است. مطابق این ماده: ((در جرائم تعزیری درجه‌ی شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا موسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد.<sup>۴</sup> مدت میانجی‌گری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یکبار و به میزان مذکور قابل تمدید است...))

همانگونه که پیداست تدابیر فوق تنها در جرائم تعزیری درجه‌ی شش، هفت و هشت قابل اتخاذ است. از آنجا که تحقیقات مقدماتی جرائم تعزیری درجه‌ی شش در دادسرا و تحقیقات مربوط به جرائم تعزیری درجه‌ی هفت و هشت مستقیماً در دادگاه انجام می‌شود، منظور از عبارت ((مقام قضایی)) در ماده‌ی فوق، حسب مورد بازپرس یا قاضی است. در مواردی که تحقیقات مقدماتی در دادسرا به دادیار ارجاع شده باشد، وی نیز حق صدور این قرار را دارد. به همین دلیل، در جریان بررسی لایحه‌ی

<sup>۱</sup> ماده‌ی ۲۱۶ ق.آ.د.ک

<sup>۲</sup> تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲۰۴ ق.آ.د.ک

<sup>۳</sup> مواد ۲۰۶، ۲۰۷ و ۲۱۰ ق.آ.د.ک

<sup>۴</sup> برای دیدن تکلیف بازپرس به ارجاع به میانجی‌گری، نک: ماده‌ی ۱۹۲

قانون آیین دادرسی کیفری، عبارت ((مقام قضایی)) که اصطلاحی عام‌تر است، جایگزین عبارت ((دادستان یا بازپرس پس از موافقت دادستان)) شد.

پس از انقضای مهلت حداکثر دو ماهه به متهم یا حداکثر سه ماهه برای میانجی‌گری، مقام قضایی نتیجه‌ی این اقدام خود را بررسی می‌کند. در این حال، نتیجه از دو فرض خارج نیست: یا شاکی گذشت کرده، یا بر شکایت خود باقی است. در صورت گذشت، یا جرم قابل گذشت است یا غیر قابل گذشت. اگر جرم قابل گذشت باشد، مقام قضایی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند و اگر جرم غیرقابل گذشت باشد، مقام قضایی می‌تواند در صورت وجود شرایط لازم و با موافقت متهم، قرار تعلیق تعقیب او را صادر نماید. اگر نتیجه‌ی اعطای مهلت یا ارجاع به میانجی‌گری، بقای شاکی بر شکایت خود باشد، مقام قضایی تحقیقات را تا صدور قرار نهایی ادامه می‌دهد. در پایان لازم به ذکر است که چون به موجب ماده‌ی ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری نحوه‌ی میانجی‌گری میان شاکی و متهم باید بر طبق آیین‌نامه‌ای باشد که مدتی بعد از لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه‌ی قضائیه به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید، بنابراین تا زمان تصویب و لازم الاجراء شدن این آیین‌نامه، امکان ارجاع به میانجی‌گری وجود نخواهد داشت.

### تفتیش اماکن، بازرسی اشیاء، تأمین خواسته

در مواردی که برای دستگیری متهم یا کشف آلات و وسایل یا دلایل ارتکاب جرم، ظن قوی وجود داشته باشد که می‌توان آن‌ها را در منزل، اماکن بسته و تعطیل یافت، یا از طریق بازرسی اشیاء به آن‌ها دست پیدا نمود، مرجع تحقیق می‌تواند دستور تفتیش یا بازرسی آن محل یا آن اشیاء را بدهد.<sup>۱</sup> محل مزبور، لزوماً محل ارتکاب جرم نیست و ممکن است فقط محل مخفی شدن متهم یا مخفی کردن دلایل ارتکاب جرم باشد. مرجع تحقیق می‌تواند خود شخصاً به این کار مبادرت ورزد و یا انجام آن را به ضابطان واگذار نماید (نک: ماده‌ی ۹۸ ق.آ.د.ک). در صورت اخیر، ضابطان باید تنها در حدود تکلیف محول شده به آن‌ها اقدام نمایند؛ یعنی اگر دستور تفتیش منزل برای یافتن و دستگیری متهم داده شده، آن‌ها حق بازرسی و توقیف اشیاء و اجناس موجود در محل را ندارند و اگر دستور تفتیش منزل برای جستجو و یافتن آلات و دلایل جرم داده شده، آن‌ها حق جلب متهم را ندارند. حتی اگر در هنگام بازرسی و تفتیش، جرم دیگری را در محل مذکور کشف کنند، تنها در حدود ماده‌ی ۵۷ ق.آ.د.ک حق مداخله و گزارش نمودن آن را دارند. مطابق این ماده: ((چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدیدکننده‌ی امنیت و آسایش عمومی جامعه است، مشاهده کنند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت‌مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند))؛ بنابراین، مشاهده‌ی نگهداری مواد منفجره در محل مزبور می‌تواند دلالت بر این تهدید داشته باشد، ولی مثلاً مشاهده‌ی نگهداری یک دستگاه دریافت امواج ماهواره‌ای چنین خصوصیتی ندارد تا ضابطان ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت‌مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش نمایند.

در هر حال، دستور بازرسی یا تفتیش اشیاء، مجوز ورود به منزل یا سایر اماکن خصوصی محسوب نمی‌شود؛ بنابراین، در صورتی که شیء مورد نظر در یک مکان خصوصی باشد، یعنی اصولاً مهیا برای پذیرش عموم نبوده و ورود به آنجا مستلزم اذن مالک یا

<sup>۱</sup> ماده‌ی ۱۳۷ ق.آ.د.ک در مورد برخی اشخاص و مقامات عالی رتبه که در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ نام برده شده اند و همچنین در مورد متهمان به جرائم سیاسی و مطبوعاتی، دستور تفتیش و بازرسی منزل و محل کار آن‌ها باید به تأیید رئیس کل دادگستری استان برسد و با حضور مقام قضایی اجراء شود (ماده‌ی ۱۳۸ ق.آ.د.ک)

متصرف باشد، لازم است که مرجع تحقیق علاوه بر دستور تفتیش، اجازه‌ی ورود مأموران به محل مورد بازرسی را هم بدهد.<sup>۱</sup> از ماده‌ی ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری معلوم می‌شود که برای ورود به اماکن بسته یا تعطیل نیز، حتی اگر عمومی هم باشند، باید مانند ورود به منزل، دستور مقام قضایی وجود داشته باشد و این دستور هم باید موردی، یعنی ناظر به مورد خاص و با تصریح به موضوع تفتیش، زمان، مکان، دفعات ورود و نشانی اماکن مورد نظر باشد؛ بنابراین، صدور دستورهای کلی مبنی بر شناسایی و ورود به ((مخفی گاه متهم)) یا ((محل اخفاء)) آلات جرم، توسط مقام قضایی ممنوع و تخلف انتظامی است. ماده‌ی ۱۴۱ در این باره اعلام می‌کند: ((دستور مقام قضایی برای ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان باید موردی باشد و موضوعی که تفتیش برای آن صورت می‌گیرد، زمان، دفعات ورود، اموال، اماکن و نشانی آن‌ها به صراحت مشخص شود...)). تفتیش و بازرسی منزل اصولاً در روز<sup>۲</sup> انجام می‌شود تا آسایش متصرفان محل آسیب کمتری ببینند، ولی در صورتی که ضرورت اقتضاء کند، مثلاً در مواردی که جلوگیری از فرار متهم یا امحاء آثار و دلایل جرم، ایجاب نماید، بازپرس با ذکر دلایل ضرورت در صورت مجلس، می‌تواند دستور انجام آن در شب را بدهد و در صورت امکان، خود نیز در محل حضور می‌یابد. (ماده‌ی ۱۴۰)<sup>۳</sup>

صدور قرار تأمین خواسته نیز یکی دیگر از اقدامات مرجع تحقیق در این مرحله است. در دعای حقوقی، به منظور تضمین دستیابی خواهان به خواسته‌ی خود، در صورت محکومیت قطعی خوانده، این امکان پیش بینی شده است که دادگاه به تقاضای خواهان اقدام به صدور قرار تأمین خواسته از اموال خوانده نماید.<sup>۴</sup> در این صورت، اگر خواسته، عین معین باشد عین آن و در غیر این صورت، معادل قیمت خواسته از سایر اموال خوانده توقیف می‌شود.

در دعای کیفری نیز که شاکی می‌تواند ضرر و زیان ناشی از جرم را که به او وارد آمده از دادگاه کیفری رسیدگی کننده به جرم مطالبه نماید، تأمین خواسته‌ی او ممکن است ضرورت داشته باشد تا از اقدام متهم به انتقال اموال خود و تضييع حق زیان دیده از جرم جلوگیری به عمل آید. ماده‌ی ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری در این باره می‌گوید: ((شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله‌ی قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند)).

بدین ترتیب، قرار تأمین خواسته‌ای که در امور کیفری صادر می‌شود تابع موارد چهارگانه‌ی مذکور در ماده‌ی ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی نبوده و کافی است که مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد، به این معنا که دلایل کافی حاکی از ارتکاب عمل توسط

<sup>۱</sup> در برخی جرائم، به دلیل استفاده از فناوری های نوین، دلایل ارتکاب جرم به صورت داده هایی بر روی یک رایانه قرار دارد که در دسترس شاکی نیست و با اشاره ی انگشتی بر روی صفحه کلید رایانه نیز، محو می شود. در مورد این گونه دلایل، دستور مقام قضایی برای حفظ این داده ها توسط کسی که آن ها را در اختیار دارد (ماده ی ۶۶۹ ق.آ.د.ک) و نیز تفتیش رایانه و توقیف یا کپی برداری از داده های مذکور (مواد ۶۷۱ و ۶۷۵ ق.آ.د.ک) پیش بینی شده است.

<sup>۲</sup> روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است (تبصره ی ماده ی ۱۴۱)

<sup>۳</sup> در همه ی موارد فوق، لازم است که ((بازرسی ها... جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه ها و نوشته ها و عکس های فامیلی و فیلم های خانوادگی و ضبط بی مورد آن ها خودداری گردد)). (بند ۸ ماده واحده ی قانون حقوق شهروندی)

<sup>۴</sup> مقررات مربوط به تأمین خواسته در دعای حقوقی در مواد ۱۰۸ تا ۱۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی بیان شده است.

متهم، ورود ضرر به شاکی و انتساب این ضرر به عمل متهم وجود داشته باشد.<sup>۱</sup> این قرار به متهم ابلاغ و بلافاصله اجرا می‌شود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نیست و تأخیر در اجراء موجب تضییع خواسته می‌شود، ابتدا قرار تأمین، اجراء و سپس ابلاغ می‌شود و موضوع فوراً به اطلاع دادستان می‌رسد. قرار تأمین خواسته مطابق مقررات اجرای احکام مدنی در اجرای احکام کیفری دادسرای مربوط اجراء می‌شود. (ماده ۱۰۹) اگر در هنگام اجرای قرار، به جای مال متهم اشتباهاً مال متعلق به دیگری توقیف شود، شخص ثالثی که مالش توقیف شده حق اعتراض دارد. مرجع رسیدگی به این اعتراض، دادگاه حقوقی و نحوه رسیدگی به اعتراض بر اساس قانون اجرای احکام مدنی<sup>۲</sup> خواهد بود. (ماده ۱۱۱)

اگر خواسته‌ی شاکی عین معین باشد، همان عین توقیف می‌شود، اما ((در صورتی که خواسته‌ی شاکی، عین معین نبوده یا عین معین بوده، اما توقیف آن ممکن نباشد، باز پرس معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارایی‌های متهم توقیف می‌کند)). (ماده ۱۰۸) اگرچه صدور قرار تأمین خواسته به طور سنتی در مورد خسارات مالی ناشی از جرم معمول بوده است، اما در حال حاضر، با پیش بینی دیه در قبال صدمات بدنی در قوانین فعلی، هیچ منعی وجود ندارد که در مورد جرمی نیز که خسارات مالی به دنبال نداشته ولی به دلیل صدمه‌ی بدنی به مجنی علیه مستوجب دیه یا ارش است، مرجع قضایی به تقاضای شاکی اقدام به صدور قرار تأمین خواسته نماید.

صدور قرار تأمین خواسته نیاز به موافقت دادستان ندارد، اما توسط متهم قابل اعتراض است (بند ((پ)) ماده ۲۷۰). مرجع رسیدگی به اعتراض هم دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اتهام را دارد، مگر این که دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی دادسرا تشکیل نشده باشد که در این صورت دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است. (ماده ۲۷۱)

### معاینه‌ی محل، تحقیق محلی، تشکیل پرونده‌ی شخصیت

در برخی موارد، ممکن است به تشخیص مرجع تحقیق، معاینه‌ی محل نیز ضروری باشد. منظور از معاینه‌ی محل، ملاحظه‌ی صحنه‌ی وقوع جرم و آثار به جای مانده از آن در محل ارتکاب است. گاه نحوه‌ی ارتکاب جرم به صورتی است که علائم و آثاری را در محل وقوع باقی می‌گذارد که از بررسی آن‌ها می‌توان چگونگی ارتکاب عمل مجرمانه، امکان دخالت چند نفر در آن یا اقدام انفرادی یک نفر، مقاومت یا عدم مقاومت مجنی علیه و مانند آن را تشخیص داد. برخی مواقع نیز، وجود آلت جرم، خون یا لکه‌ای دیگر در محل حادثه، با نگاه تیزبین مرجع تحقیق در جریان معاینه‌ی محل کشف گردیده و ارسال آن به آزمایشگاه ضروری تشخیص داده می‌شود.

تحقیق محلی نیز اقدام دیگری است که ممکن است برای تکمیل تحقیقات صورت گیرد و آن حضور در محل وقوع جرم یا محل اقامت متهم یا محل اقامت شاکی و جمع آوری اطلاعات از اهالی محل است. معمولاً در تحقیقات محلی، اطلاعات اهالی محل از وضعیت اخلاقی و طرز رفتار و سلوک متهم و یا شنیده‌های آنان از وقوع جرم و اوضاع و احوالی که منجر به آن شده، کسب می‌گردد. با این حال، گاه تحقیقات محلی منجر به دریافت اطلاعات ارزشمندی از اشخاص می‌شود که به واقع صحنه‌ی ارتکاب جرم را مشاهده کرده، ولی به دلایلی از مراجعه به دادسرا و ادای شهادت خودداری می‌ورزند، اطلاعاتی که در صورت عدم اقدام به تحقیقات محلی، مرجع تحقیق از آن‌ها محروم می‌شد.

<sup>۱</sup> بنابراین، صدور قرار تأمین خواسته، منوط به تودیع خسارت احتمالی به شرح مقرر در ق.آ.د.م نمی‌باشد. همسو با این نظر نگاه کنید به: آشوری،

محمد، پیشین، ج ۲، ص ۱۲۶

<sup>۲</sup> به طور مشخص، مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶

ماده‌ی ۱۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری در این باره مقرر می‌دارد: ((هرگاه برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه‌ی محل ضرورت یابد و یا متهم یا شاکی درخواست نمایند، بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه‌ی محل می‌کند)). ماده‌ی ۱۲۵ نیز می‌افزاید: ((معاینه‌ی محل و تحقیق محلی توسط بازپرس و یا به دستور او توسط ضابط دادگستری انجام می‌شود. هنگام معاینه‌ی محل، اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند<sup>۱</sup> می‌توانند حاضر شوند، اما عدم حضور آنان، مانع از انجام معاینه نیست)). با این حال، در جرائم موجب مجازات سلب حیات یا در هنگام معاینه‌ی اجساد، بازپرس مکلف است که در هنگام معاینه و تحقیق محلی، شخصاً و در اسرع وقت حضور یابد (ماده‌ی ۱۲۶).

اقدام دیگر در جریان تحقیقات مقدماتی که به دستور بازپرس توسط واحد مددکاری اجتماعی دادرسی<sup>۲</sup> انجام می‌شود، تشکیل پرونده‌ی شخصیت است. پرونده‌ی شخصیت پرونده‌ای جدا از پرونده‌ی اتهامی مربوط به رفتار مجرمانه و در واقع حاوی اطلاعاتی از شخصیت مرتکب این رفتار است. پرونده‌ی شخصیت از دستاوردهای جرم‌شناسی است و هدف از تشکیل آن شناخت بهتر شخصیت مرتکب به منظور اتخاذ تدابیر کیفری یا تأمینی متناسب با آن است. در نتیجه، با کمک پرونده‌ی شخصیت، اصل فردی کردن مجازات‌ها که یکی از اصول پذیرفته شده‌ی امروزی در حقوق کیفری به شمار می‌رود، نیز به نحو مطلوبی رعایت خواهد شد. ماده‌ی ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد این پرونده می‌گوید: ((در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه‌ی چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه‌ی آن‌ها ثلث دیه‌ی کامل مجنی‌علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده‌ی شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده‌ی عمل مجرمانه تشکیل می‌گردد، حاوی مطالب زیر است: الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم؛ ب- گزارش پزشکی و روانپزشکی)).

بنابراین، همانگونه که پیداست، تشکیل پرونده‌ی شخصیت نه در همه‌ی جرائم، بلکه فقط در جرائم مذکور در ماده‌ی ۲۰۳ لازم است. در مورد اطفال و نوجوانان، علاوه بر این موارد، در جرائم تعزیری پنج و شش نیز تشکیل پرونده‌ی مذکور لازم است (ماده‌ی ۲۸۶ ق.آ.د.ک) اما در هر صورت، دستور تشکیل پرونده‌ی شخصیت باید در نخستین روزهای دسترسی به متهم صادر شود تا ارسال کیفرخواست به دادگاه پس از صدور قرار جلب به دادرسی، برای تکمیل این پرونده معطل نماند، زیرا به موجب بند ((چ)) ماده‌ی ۲۷۹ یکی از نکات لازم به ذکر در کیفرخواست، خلاصه‌ی پرونده‌ی شخصیت یا وضعیت روانی متهم است (نک: ماده‌ی ۲۷۹).

### جلب نظر کارشناس

گاه اظهارنظر درباره‌ی تحقق یک عمل مجرمانه مستلزم دارا بودن اطلاعاتی است که به دلیل جنبه‌های فنی و تخصصی، مرجع تحقیق فاقد آن است. در این موارد، لازم است که بدواً جنبه یا جنبه‌های خاص برای اظهار نظر تخصصی، به کارشناس آن رشته ارجاع گردد تا پس از دریافت نظر وی و در اختیار داشتن اطلاعات لازم، نسبت به اعلام نظر درباره‌ی تحقق یا عدم جرم

<sup>۱</sup> با توجه به تبصره‌ی این ماده که متهم را یکی از اشخاصی دانسته که در امر کیفری شرکت دارند، منظور از عبارت ((اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند))، شاکی، متهم یا متهمان پرونده و وکلای آنان و همچنین سایر اشخاصی مانند شاهد و مطلع و کارشناس است که در پرونده دخالت دارند.

<sup>۲</sup> این واحد توسط قوه‌ی قضائیه در حوزه‌ی قضایی هر شهرستان ایجاد می‌شود. (نک: مواد ۴۸۵ و ۴۸۶)

توسط مرجع قضایی اقدام گردد؛ بنابراین، یکی دیگر از اقداماتی که ممکن است در جریان تحقیقات توسط بازپرس یا دادیار انجام شود، جلب نظر کارشناس در خصوص موضوع رسیدگی است.

در قانون آیین دادرسی کیفری، مواد ۱۵۵ تا ۱۶۷ حاوی مقررات مربوط به کارشناسی است. مطابق ماده‌ی ۱۵۵: ((هرگاه بازپرس رأساً یا به تقاضای یکی از طرفین، انجام کارشناسی را ضروری بداند، قرار ارجاع امر به کارشناسی را صادر می‌کند. بازپرس باید موضوعی را که جلب نظر کارشناس نسبت به آن لازم است به طور دقیق تعیین کند)). در مورد رد یا قبول نظر کارشناس، ماده‌ی ۱۶۶ می‌گوید: ((در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، بازپرس نظر کارشناس را به نحو مستدل رد می‌کند و موضوع را به کارشناس دیگر ارجاع می‌دهد)). اشخاصی که هنگام اجرای قرار کارشناسی حق حضور دارند، می‌توانند مخالفت خود با نظریه‌ی کارشناس را با ذکر دلیل اعلام کنند (ماده‌ی ۱۶۲). وقتی هم که به عقیده‌ی بازپرس نظریه‌ی کارشناس مورد تردید باشد یا در صورت تعدد کارشناسان، بین آنان اختلاف نظر باشد، بازپرس می‌تواند تا دو بار دیگر از سایر کارشناسان دعوت به عمل آورد، یا نظریه‌ی کارشناس یا کارشناسان مذکور را نزد متخصص علم یا فن مربوط ارسال و نظر او را استعلام کند (ماده‌ی ۱۶۵).

### پیگیری اعتراض به تصمیم دادگاه

اگر در زمان رسیدگی به یک پرونده، بحث نیابت قضایی مطرح شد و شما به عنوان یکی از دو طرف دعوا احساس کردید که این کار زمان رسیدگی را طولانی می‌کند و به این تصمیم دادگاه اعتراض داشتید، باید اعتراض خود را به مرجع قضایی نیابت دهنده (رسیدگی کننده به پرونده) تقدیم کنید.<sup>۱</sup>

### بخشنامه‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه

در سال ۱۳۸۶ از طرف رئیس قوه‌ی قضائیه بخشنامه‌ای برای رعایت قواعد آیین دادرسی توسط مراجع قضایی صادر شده است. در این بخشنامه از مراجع قضایی سراسر کشور خواسته شده که از اعطای نیابت‌های قضایی مبهم و ناقص جلوگیری کنند، چرا که باعث صرف وقت و هزینه و طولانی شدن روند دادرسی می‌شود. در این بخشنامه نکاتی ذکر شده که اشاره به برخی از آن‌ها خالی از فایده نیست. در تنظیم برگه‌ی نیابت، مشخصات کامل طرفین دعوا، شهود، مطلعین و سمت قاضی نیابت‌دهنده به طور دقیق ذکر می‌شود. مراجع نیابت‌دهنده از ارسال برگه‌ی نیابت به مرکز استان خودداری می‌کنند، چرا که باعث طولانی شدن روند دادرسی خواهد شد. در برگه‌ی نیابت قضایی، تمام مواردی که درباره‌ی آن‌ها نیابت داده می‌شود، به طور دقیق و خوانا ذکر می‌شود. هم چنین برگه‌ی نیابت قضایی باید از طریق دستگاه نمابر (فکس) ارسال شود و حداکثر ظرف سه روز برگه‌ی نیابت به مرجع نیابت‌گیرنده ارسال شود.

### محدوده‌ی صلاحیت محلی بازپرسان و قضات تحقیق

اگر چه ضرورت‌های علمی و تقسیم کار ناشی از آن به گونه‌ای که در فصل صلاحیت ملاحظه شد ایجاد می‌کند که قاضی تحقیق منحصراً در حوزه‌ی صلاحیت محلی خود به انجام دادن اقدامات تحقیقی مبادرت ورزد، با این همه در بسیاری از موارد، اقدام و تحقیق خاصی از قبیل تحقیق از متهم، معاینه‌ی محل، تحقیق محلی، استماع شهادت شهود و امثال آن ناگزیر باید در خارج از محدوده‌ی صلاحیت محلی بازپرسان و قضات تحقیق به عمل آید. در این گونه موارد تکلیف چیست؟ آیا قاضی تحقیق

<sup>۱</sup> همان

باید خودبه محل مورد نظررفته و مبادرت به اقدام قضایی کند و یا اینکه می‌تواند اقدامات مورد نظر را طبق ضوابطی به دیگری واگذار کند؟

در حقوق ایران، به استناد ماده‌ی ۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ و ماده‌ی ۵۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بازپرس و قاضی تحقیق مجاز به جابه‌جایی نبوده و مکلفند در موارد و به شرح مندرج در مواد مذکور اقدام به اعطای نیابت قضایی کنند.<sup>۱</sup> «بازرسی دفتر یا منزل وکیل فقط توسط یک مقام قضایی و در حضور رئیس کانون وکلا یا نماینده‌ی او مجاز است».

دیوان کشور فرانسه در آراء مختلف و از جمله رأی ۵ ژوئن ۱۹۷۵ متذکر این مهم شده است که حضور نماینده‌ی کانون وکلا به منظور تضمین راز شغلی و حقوق دفاعی متهم پیش‌بینی شده است، بنابراین نماینده‌ی مذکور مجاز نیست که شخصاً نیز به تفتیش و بازرسی دفتر وکیل مبادرت ورزد و این اقدامات باید توسط قاضی تحقیق معمول شود.<sup>۲</sup>

رویه‌ی قضایی فرانسه از دیرباز بر این است که بازپرس مجاز به ضبط مکاتبات و مراسلات متهم با وکیل مدافع خود، حتی آن‌هایی که هنوز به دست وکیل نرسیده، نیست،<sup>۳</sup> مگر آن‌که این مراسلات عنصر مادی جرم یا ابزار ارتکاب جرم بوده باشد.<sup>۴</sup> لذا، دیوان کشور فرانسه در یکی دیگر از آرای خود ضمن اشاره به اینکه اختیارات و اقتدارات قاضی تحقیق را ضرورت حفظ راز شغلی از سوی وکیل مدافع، محدود می‌سازد سرانجام متذکر شویم که قانونگذار در ماده‌ی ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی برای هر یک از مستخدمین و مأموران قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده است چنانچه بدون ترتیب قانونی به منزل کسی وارد شود مجازات حبس از یک ماه تا یک سال در نظر گرفته است.<sup>۵</sup>

### نتیجه گیری

در خصوص نیابت قضایی در آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ می‌توان عنوان کرده‌ر مرجع کیفری می‌تواند برای انجام برخی از وظایف خود به مراجع کیفری دیگر نیابت دهد، یا به ضابطین دادگستری حوزه‌ی قضایی خود نمایندگی اعطا کند. اعطای نیابت و یا تفویض نمایندگی، در صورتی می‌تواند وجهه‌ی قانونی داشته باشد که مداخله‌ی شخصی دادرس مرجع رسیدگی برای انجام آن امر الزامی نباشد. بنابراین اموری از قبیل بازجویی از متهم، تحقیق از شهود، اخذ نظریه‌ی کارشناس، تحقیق محلی و یا معاینه‌ی محل، اخذ تأمین از متهم می‌تواند مورد نیابت قرار گیرد، اما اظهارنظر در ماهیت امر، صدور قرار نهایی و انشای حکم و نظایر آن را نمی‌توان مورد نیابت قرار داد. چنانچه تحقیق از متهم یا استماع شهادت از شهود و یا

<sup>۱</sup>. طبق نظریه‌ی مشورتی شماره ۵۷۲۲۷، مورخ ۲۴۱۱۳۶۵ اداره‌ی حقوقی وزارت دادگستری: جلب متهم در خارج از حوزه‌ی قضایی بازپرس نظامی مستلزم اعطای نیابت قضایی در مرحله‌ی اول به بازپرسی

2. Cim5 Juin 1975J.C.P. 791118243 note Chamhon.

<sup>3</sup>. Cim12 Mas 1889D18861345.

<sup>4</sup>. Caen 25 Mas 1987Gaz pal19872445note Damien.

<sup>۵</sup>. ماده‌ی ۵۸۰: هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.



معاینه‌ی محل، بازرسی از منزل، جمع‌آوری آلات جرم و به‌طور کلی هر اقدام دیگر در محلی که خارج از حوزه‌ی قضایی دادگاه است لازم شود، دادگاه رسیدگی‌کننده با اعطای نیابت قضایی انجام آن را با ذکر صریح موارد از دادگاه آن محل تقاضا می‌نماید.

## منابع

۱. آخوندی، محمود، ۱۳۶۸، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول
۲. آشوری، محمد، ۱۳۸۴، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، انتشارات سمت، ج ۲، چاپ نهم
۳. شمس، عبدالله، ۱۳۸۲، *آیین دادرسی مدنی*، تهران، انتشارات میزان، ج ۱، چاپ اول، صص ۳۱۱-۱۲۸
۴. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۴، *حقوق جزای عمومی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم
۵. گلدوست جویباری، رجب، ۱۳۸۶، *کلیات آیین دادرسی کیفری*، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول
۶. نوربها، رضا، ۱۳۸۳، *زمینه‌ی حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دهم

## قوانین

۷. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ هجری شمسی
۸. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸
۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۰. قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰
۱۱. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵
۱۲. ماده‌ی ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی
۱۳. ماده‌ی ۵۸۰ قانون آیین دادرسی مدنی

## A Study of Criminal Delegation in Criminal Procedure Code

Oraynab Sanavi Shiri<sup>1</sup>, Gholamreza Arefian<sup>2</sup>

<sup>1,2</sup> *Department of Public Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran*

---

### Abstract

The rationale for renvoi prediction is that in some cases, depending on particular circumstances, the court in the jurisdiction scope of which a crime has not been committed and therefore has no authority to deal with that crime can judge on that crime based on better reasons. By predicting the possibility of assigning this case to such a court, the legislator has provided certain conditions and regulations in this regard. This case is referred to as judicial delegation, which is a legal term used for the possibility of acquisition of proceedings by another court so that the proceedings can occur more easily and the court can judge better for the victim. Judicial delegation makes it possible for a court to have access to evidence or investigate a case, while it is outside the scope of the competent court. A court delegating a case and a court delegated by another court are referred to as delegator and delegate respectively. The aim of judicial delegation in criminal and civil matters is to avoid a possible delay in the proceedings. Any court is limited to a specific area in terms of jurisdiction but proceedings cannot always be limited to the same jurisdiction area. In this study, we have tried to investigate the position of criminal delegation based on the Act passed in 2013 and to clarify and explain the unclear points in this regard.

**Keywords:** Delegation, Reason Acquisition, Criminal Delegation, Local Competence, Research Actions

---